

۱۳۸۲۲۶۹
۴۵/۱۱۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تراژدی علوم سیاسی

«سیاست، علم و دموکراسی»

اثر
دیوید ایچی

ترجمہ

دکتر سعید حاجی ناصری

فرید حسینی مراد



شماره مسلسل ۸۵۲۶

شماره انتشار ۳۶۵۰

انتشارات دانشگاه تهران

- سرشناسه : ریچی، دیوید، ۱۹۵۲، م
عنوان و نام پدیدآور : ریتچی، دیوید / اثر دیوید ریچی؛
ترجمه سعید حاجی ناصری، فرید حسینی مرام.
تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۴.
مشخصات نشر : ۲۷۰ ص.
مشخصات ظاهری : انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۳۶۵۰.
فروست : 978-964-03-6824-4
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۶۸۲۴-۴
وضعیت فقه استوایی : قیفا.
رداد : The Tragedy of Political Science : Politics, Scholarship, and Democracy
یادداشت : کتابنامه.
یادداشت : نمایه.
موضوع : علوم سیاسی.
شناسه افزوده : حاجی ناصری، سعید، ۱۳۶۰ - مترجم.
شناسه افزوده : حسینی مرام، فریدالدین، مترجم.
شناسه افزوده : دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات
رده‌بندی کنگره : JA ۷۱ / ۴ - ۳۹۴
رده‌بندی دیویی : ۳۲۰
شماره کتابشناسی ملی : ۳۹ ۷۷۶۸

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکریر کتاب به هر روش اعم از فتوکی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، یا نویسی در وبسایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود.

ISBN: 978-964-03-6824-4



9 789640 368244

عنوان: تراژدی علوم سیاسی: سیاست، علم و دموکراسی

تألیف: دیوید ریچی

ترجمه: دکتر سعید حاجی ناصری - فرید حسینی مرام

ویراستار: محمد قیصری

نویت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مترجمان است»

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»

بها: ۲۲۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید قرشی مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - تارنما: <http://press.ut.ac.ir>

بخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

فهرست

۵	پیش‌گفتار
۷	سیاس‌گزاری
۳	مقدمه
۱	علوم سیاسی به‌عنوان یک حرفه

سال‌های نخستین

۲۷	فصل دوم - بایگاه آموزش عالی
۵۹	فصل سوم - تناقضات رشته علوم سیاسی

ماتریس لیبرال میانه‌گرا

۱۰۵	فصل چهارم - نگرش جدید به علوم و سیاست
۱۴۳	فصل پنجم - مکتب رفتاری
۱۹۱	فصل ششم - دهه سرخوردگی

جامعه‌دانشمندان علوم سیاسی

۲۲۷	فصل هفتم - سیاست، نشر، حقیقت و خرد
۲۷۱	فصل هشتم - قوانین سیاسی، قدرت اجتماع و نظریه انسدادی

نتیجه‌گیری

۲۱۷	فصل نهم - تراژدی علوم سیاسی
۲۵۳	نمایه

پیش گفتار

این کتاب از تلقی من از دو روند حائز اهمیت سرچشمه گرفت که ویژگی توسعه علوم سیاسی مدرن هستند. روند نخست در تاریخ اندیشه سیاسی بدید آمد. بخش اعظم آنها، ایده‌هایی که مبنای این تاریخ را شکل داده‌اند، در آثار افرادی چون افلاطون، ارسطو، سنت‌آگوستین، آکویناس، بَدن، لاک، برک، و مارکس یافت می‌شوند که کارهای آنها بخشی از مجموعه کتاب‌های بزرگی به‌شمار می‌آیند که به‌عنوان میراث تمدن غرب به ما رسیده‌اند. برای قرن‌ها، در دنیای آکادمیک از این کتاب‌ها به‌عنوان سنگ محک تدریس در مورد سیاست استفاده شده، اما این آثار خود عمده‌تأ محصول یک محیط آکادمیک نبوده‌اند. برخی از این نویسندگان برای گذران زندگی تدریس می‌کرده‌اند، اما اغلب آنان مشغول کارهای عملی بوده‌اند و لذا سنت گفتمانی آنان بیشتر مدیون تجربه در حوزه فرهنگ و جامعه بود تا شور و اشتیاق برای داشتن نگرش محدود و علمی از حوزه حیات اجتماعی.

حال، بزرگترین متفکران امروز چه کسانی هستند؟ پرسیدن این سؤال به‌معنای آگاهی‌یافتن از روند نخست است که توسعه علوم سیاسی مدرن را مشخص می‌کند، زیرا، طبق باور اکثر دانشمندان علوم سیاسی، سلسله متفکران در جهت امر در سنت غربی تقریباً در پایان قرن نوزدهم به انتها رسید. لذا به‌عنوان مثال درمورد لیبرالیسم، می‌توان با نسی اغماض گفت که از زمان جان استوارت میل هیچ متفکر سیاسی به واقع تأثیرگذاری ظهور نکرده است. غالب این که اکنون، در زمانه‌ای که به باور ما افرادی چون جان استوارت میل بسیار کمیاب هستند، دانشگاه‌هایی تر دید تبدیل به مراکز عظیم علم‌آموزی شده‌اند. اینجاست که روند دوم درمورد علوم سیاسی موضوعیت پیدا می‌کند، چرا که همراه با گسترش دانشگاه‌ها و فراهم آمدن پست‌های آکادمیک برای دانشمندان علوم سیاسی توسط آنها، از رشته‌هایی مانند زیست‌شناسی و فیزیک گرفته تا مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، دانشگاه‌ها بر اهمیت رویکرد علمی در مورد امور طبیعی و اجتماعی تأکید کردند.

هرچه بیشتر در مورد تعداد رو به کاهش متفکران بزرگ و اهمیت‌یافتن فزاینده دانشگاه‌های تدریس می‌شدیم، بیشتر متقاعد می‌شدیم که این دو روند ارتباط قابل‌ملاحظه‌ای با یکدیگر دارند. آنچه رخ داده، حداقل به نظر من، این بوده که افرادی که در دانشگاه‌های در حال توسعه و گسترش علوم سیاسی درس می‌دادند، موفق شدند با آثار خود جایگزین سنت کهن اندیشه سیاسی شوند. آنان این کار را از طریق بیان حسن‌های شیوه علمی تحلیل علوم سیاسی انجام دادند که در نتیجه آن، تمام اشکال قدیمی‌تر فرسایدپردازی در مورد امور اجتماعی کمتر حائز صراحت و روشنی یا به بیان ساده‌تر نادرست به‌نظر می‌رسیدند. در طول سال‌ها، تعداد بسیاری از این کارهای علمی انباشته شدند، حال آن‌که در قبال معرفت علمی‌ای که اعضای هیأت علمی، در رشته‌های مختلف، تولید کرده و در اختیار جامعه قرار دادند، اعتبار بیشتر و بیشتری به دانشگاه‌ها اختصاص داده شد. در نهایت، مهارت و کاردانی دانشگاهیان به‌عنوان یک

طبقه بسیار مورد توجه قرار گرفت، به گونه‌ای که حداقل برای علوم سیاسی معقول به نظر می‌رسید که سنت قدیمی‌تر ایده‌های سیاسی بیشتر به دلیل شأن تاریخی‌اش مورد احترام قرار گیرد تا هرگونه نمود نوپیدا. لذا در شرایط کنونی اکثر واحدهای دانشگاهی در زمینه علوم سیاسی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که نه بر انبوه معرفت به دست‌آمده طی اعصار، بلکه بر برداشت‌های معاصر اساتید علوم سیاسی تأکید دارند، برداشت‌هایی که مبتنی بر پژوهش‌های علمی، به نظر آنان در مورد جهان سیاست درست می‌رسد. پیامد خاص این وضعیت، که همین اواخر آغاز شده، این است که تعداد بسیاری از شهروندان آمریکایی معلومات خود از حوزه زندگی اجتماعی را از گروه خاصی از متخصصان دانشگاهی کسب می‌کنند، نه همانند گذشته از سنتی مبتنی بر آثار افرادی بزرگ در بسیاری از عرصه‌های زندگی اجتماعی. باین‌همه، ما اطلاعات اندک در مورد این متخصصان و درباره این مسئله داریم که چگونه شرایط شغلی یکسان می‌تواند کیفیت تدریس آنان را متأثر سازد. به عنوان مثال، اگر شرایط کار در دانشگاه‌ها یافته‌های پژوهش سیاسی را در مسیر خاص به در مسیرهای دیگر هدایت کند، چه می‌شود؟ و اگر در نتیجه این وضعیت دانشمندان علوم سیاسی، به صورت یک گروه، تمایل به پشتیبانی از دیدگاه‌هایی خاص در مورد جامعه و مخالفت با دیگر دیدگاه‌ها داشت باشند چه اتفاقی می‌افتد؟ خلاصه این که ماهیت علوم سیاسی به عنوان یک رشته علمی چیست و تأثیر این درست بر فرم و محتوای آموزش سیاسی در امریکای امروز چه خواهد بود؟

این پرسش‌های کلی شاید نشان‌دهنده نگرانی پژوهشی باشد که بزرگ‌تر از آن است که یک پژوهشگر بتواند به شکلی جامع از پس آن برآید، چرا که در زمان به‌بود آمدن دانشگاه‌ها در یک قرن پیش، هزاران دانشمند علوم سیاسی در امریکا تدریس کرده و قلم زدند و هیچ‌کس احتمالاً نمی‌تواند تمامی آنچه آنان گفته‌اند را خوانده یا با آنها آشنایی پیدا کند. من حتی بیشتر از آن به انتقادات خود را آغاز نمایم به این نکته 'دعان می‌کنم. همچنین اضافه می‌کنم که در راه تلاش برای انجام این کار، احتمالاً بهتر از هر کس دیگری می‌دانم که توانایی‌های یک پژوهشگر در برابر حجم عظیم آگاهی‌ها که باید جمع‌آوری شوند تا چه اندازه محدود است. باین‌حال، طبق این گفته که اگر ریسکی در کار باشد دست‌های حاصل نخواهد شد، به این نتیجه رسیدم که نگاهی اجمالی به توسعه رشته، و آثار برگزیده منتشر شده توسط افراد متعلق به این حوزه در دوره‌های مختلف، می‌تواند دست‌کم باعث شود موضوع علوم سیاسی تا اندازه‌ای روشن گردد، و این چیزی است که من خواهان رسیدن به آن هستم.

در شکل نهایی خود، یکی از جنبه‌های نوشتاری «تراژدی علوم سیاسی» نیازمند توضیح است. بدون هیچ‌گونه نیت مرد برترپندارانه، این کتاب بیشتر به مردان اشاره دارد تا زنان. بخشی از این عدم توازن ناشی از خودداری من از بدساختی سبکی هنگام مواجهه با موضوعات دربردارنده جنسیت، به‌ویژه در شکل مفرد آن، می‌باشد. باوجوداین، بخش اعظم نابرابری ناشی از توجه من به نوع بشر در کلیت آن

است. مردان و زنان، همان گونه که در «تبار انسان» چارلز داروین و «پیشینه انسان» جاکوب برنوسکی آمده، همگی متعلق به گونه بشر هستند و هیچ اصطلاحی به جز این عبارت، و مشتقات آن، تاکنون نتوانسته چنین قدرتمند کیفیات شکوه و موفقیت‌هایی را یادآور شود که درون ادراک ما به عنوان اعضای نوع بشر قرار دارد. در این متن، به منظور جلوگیری از این که افراد به عنوان گوشه‌نشینانی اصلاح‌ناپذیر از قلم انداخته شوند، گهگاه از افراد، اشخاص و شخصیت‌ها سخن می‌گوییم. اما تماماً تسلیم کاربرد مدرن نمی‌شوم، چرا که جایگزینی عبارات قدیمی‌تر با اصطلاحات جدیدتر در تمامی موارد به معنای از دست رفتن برخی از دلالت‌های تاریخی و هیچانی است که هنوز توسط شکل پیشین معانی آن منتقل می‌شود. و من خواهان حفظ برخی از این دلالت‌ها هستم، چرا که با تمامی این تفاسیر، این کتابی در مورد تراژدی است به خوانندگان را ترغیب می‌کند ایده‌آل‌های یک تمدن بزرگ را به یاد آورده و بار دیگر بیان دارند، جایی که در آن این عبارت، همانند خود اصطلاح تراژدی، در سنت کهن گفتمان انسانی گنجانده شده‌اند. لذا از خوانندگان ما خواهم بردباری به خرج داده و امیدوارم آنچه اکنون ممکن است نسبت نامتعارف اشاره به مردان و زنان به حساب آید، تحمل نمایند.